

## بررسی چگونگی نمود جنسیت در زبان فارسی

ابراهیم ظاهری عبدوند

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات معاصر) دانشگاه شهرکرد

دکتر جهانگیر صفری

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

دکتر مسعود رحیمی

استادیار گروه زبا و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

### چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی چگونگی نمود جنسیت در زبان فارسی است که برای انجام آن، تعدادی از رمان‌های معاصر فارسی مورد بررسی قرار گرفت. روش تحقیق تحلیلی توصیفی است. جنسیت در زبان فارسی تأثیر بسیار زیادی دارد و نمود آن را در این زبان به شیوه‌های مختلفی می‌تواند مشاهده کرد. یکی از شیوه‌های نمود جنسیت در زبان فارسی، استفاده بیشتر یک جنس از برخی واژگان و جمله‌ها است؛ یعنی از طریق بسامد و فراوانی استفاده از واژگان و جمله‌ها می‌توان به تأثیر جنسیت در زبان پی برد. شیوه دیگر بدین صورت است که برخی از واژگان و جمله‌ها را به یک جنس خاص بیشتر نسبت می‌دهند. استفاده بیشتر از واژگان مربوط به یک جنس در کلام، طریقه دیگری است که جنسیت نمود خود را در زبان فارسی نشان داده است. همچنین گاهی از برخی واژگان برای یک جنس بیشتر استفاده می‌شود و یا برخی واژگان و جمله‌ها را تنها یک جنس بر زبان می‌آورد.

**کلیدواژه‌ها:** جنسیت، نمود، زبان فارسی، رمان.

### مقدمه

در بین واژه‌های جنسیت، جنس و جنس دستوری تفاوت وجود دارد. «جنس تفاوت بیولوژیک میان زن و مرد است؛ در حالی که جنسیت رفتارها، نقش‌ها، فعالیت‌ها، نگرش‌ها و مسئولیت‌های منسوب به زن یا مرد در جامعه است» (جزینی، ۱۳۸۰، ص ۱۳). جنس دستوری نیز «یک مقوله دستوری که در بعضی از زبان‌ها (نه همه آنها) وجود دارد و بر پایه آن، همه اسم‌ها به دو یا چند طبقه دستوری تقسیم می‌شوند و هر یک از این طبقات در پیوند دستوری با واژه‌های دیگر جمله نیازمند نوع خاصی از مطابقت هستند» (ترسک، ۱۳۸۰، ص ۲۹۷). در مورد رابطه زبان با جنسیت، گروه‌های مختلف با دیدگاه‌های متفاوت، به بررسی پرداخته‌اند. فمینیست‌ها در زمینه زبان و جنسیت سه رویکرد دارند: دو رویکرد روانکاوانه و شالوده شکنانه در سنت فرانسوی که هر یک از این دو رویکرد تمایز زبانی زن و مرد را به ترتیب به عقده حقارت جنسی و به امتیاز طلبی جنس مذکر نسبت داده‌اند و رویکرد تجربی در سنت آمریکایی-انگلیسی که «زبان و جنسیت را به عنوان دو نظام مستقل می‌نگرد که در عمل بر یکدیگر تأثیر دارند، بخش عمده‌ی تحقیقات در این حوزه بر دو موضوع اصلی متمرکز بوده است: «۱- زنان در مقایسه با مردان چگونه زبان را به کار می‌برند یا باید به کار برند؛ ۲- زبان چه برخوردی با زنان و به طور کلی با مقوله جنسیت دارد» (سبحانی، ۱۳۸۲، ص ۶۲). زبان‌شناسان اجتماعی جنسیت را به‌عنوان یکی از عوامل غیر زبانی که سبب گوناگونی زبان می‌شود، مورد بررسی قرار داده‌اند و در تحقیق‌های خود نشان داده‌اند که بین جنسیت و رفتار زبانی همبستگی وجود دارد. «بررسی‌های جدید که به دنبال پژوهش‌های لباو، در شهر نیویورک، به انجام رسیده، به شیوه علمی نشان داده‌اند که میان جنسیت و رفتار زبانی، همبستگی‌هایی وجود دارد؛ بنابراین می‌توان بخشی از گوناگونی‌های موجود در زبان یک جامعه را بر اساس جنسیت گویندگان آن زبان توضیح داد» (مدرسی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲).

به‌طور کلی در زمینه رابطه زبان و جنسیت، دو دیدگاه ذات‌گرا و ضد ذات‌گرا وجود دارد که رویکرد ذات‌گرا خود دارای سه شاخه: نقصان، تفاوت و تسلط است. طرفداران دیدگاه ذات‌گرا، معتقد هستند طبیعت زنان اساساً با طبیعت مردان متفاوت است. در تئوری نقصان، این نگرش حاکم است که زبان زنان در مقایسه با زبان مردان دارای نقصان است و در تئوری تفاوت گفته شده است که زبان زنان در مقایسه با زبان مردان تفاوت بنیادین دارد و زنان نسبت با مردان متفاوت حرف می‌زنند. در این تئوری که به تئوری دو فرهنگی نیز معروف است، مردان و زنان دارای فرهنگ‌های متفاوت، با دنیای زبانی متفاوت ترسیم می‌شوند (نعمتی، ۱۳۸۲، ص ۷۷).

طرفداران نظریه سلطه، برتری، بر این باورند که مردان بر زنان برتری دارند و در نتیجه این سلطه، تفاوت زبانی بین زن و مرد ایجاد شده است. رویکرد ضد ذات‌گرا دومین رویکرد در مطالعات جنسیت و زبان است. بنابر نظر طرفداران این رویکرد، اختلاف‌های جنسیتی را ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه به وجود می‌آورد و زنانگی و مردانگی تحت تأثیر عواملی مانند نژاد، سن، طبقه اجتماعی و شغل است. «ضد ذات‌گرایی اندیشه‌ای در تضاد با ذات‌گرایی بوده و معتقد است که اختلاف‌های جنسیتی، از ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ناشی بوده و به تفاوت بیولوژیکی بین زن و مرد ربطی ندارد» (جیمز، ۱۳۸۲، ص ۹۸).

تفاوت‌هایی را که در اثر جنسیت در زبان به وجود می‌آید، به دو نوع تقسیم کرده‌اند: تفاوت جنسیتی انحصاری که «عبارت است از گونه‌های گفتاری کاملاً متفاوت مردان و زنان در یک جامعه معین. [تفاوت دوم، تفاوت ترجیحی است که] این تفاوت در زبان‌های دنیا بسیار رایجتر از تفاوت‌های منحصر به جنسیت است. این پدیده در بسامد نسبی استفاده زنان و مردان از عناصر واژگانی واحد یا مشخصه‌های زبانی دیگر انعکاس می‌یابد» (اگریدی، ۱۳۸۶، ص ۵۳۶-۵۳۸). میزان تأثیر جنسیت در زبان و گفتار افراد، در جوامع مختلف، متفاوت است. «گاهی این تفاوت در سطح واژگان آشکار می‌شود؛ یعنی به کاربرد بعضی از واژه‌ها مربوط می‌شود؛ گاهی جنبه آوایی دارد؛ یعنی به تلفظ کلمات یا آهنگ جمله مربوط می‌شود؛ گاهی نیز در دستور زبان منعکس می‌شود و در پاره‌ای موارد، ترکیبی از این تفاوت‌ها، گفتار زنان و مردان را از هم متمایز می‌سازد. تفاوت‌هایی که به نظام دستوری زبان مربوط می‌شوند، از تفاوت‌های دیگر بنیادی‌تر و از نظر مطالعه جالب‌تر هستند» (باطنی، ۱۳۸۱، ص ۳۸).

هدف از نگارش این مقاله نیز بررسی نحوه نود جنسیت در زبان فارسی بر اساس داستان‌ها و رمان‌های معاصر است؛ البته پیش از پرداختن به این موضوع به بررسی مقوله «جنس» در زبان فارسی نیز اشاره‌ای می‌شود.

#### تأثیر جنس در زبان فارسی

جنس در زبان‌های مختلف جهان، به دو صورت ظاهر می‌شود: «گروه اول زبان‌هایی هستند که این مقوله را دستور کرده‌اند؛ یعنی در سطح نحو آنها می‌توان آشکارا عنصر مشخص‌کننده جنس (مذکر، مؤنث و خنثی) را مشاهده کرد و گروه دوم، زبان‌هایی هستند که مقوله جنس را دستوری نکرده‌اند؛ بلکه واژگان و اصطلاحات خاص، بیانگر تمایزات و تمایلات جنس‌گرایانه است» (علی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۸۹). زبان فارسی در سیر تاریخی خود، این دو حالت را دارا بوده است. در زبان فارسی باستان اسم، صفت و ضمیر دارای جنس بوده است. «در ایران باستان اسم، صفت و ضمیر (به‌جز ضمیر شخصی) و عدد سه جنس: مذکر، مؤنث و خنثی سه شمار: مفرد، مثنی و جمع و هشت حالت دارد» (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳، ص ۲۶). در زبان فارسی میانه و در پی آن در زبان فارسی دری مقوله جنس از سطح نحو زبان حذف شد. «در فارسی میانه و فارسی دری از جنس‌های سه گانه باقی‌مانده است» (خانلری، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷) و «برای بیان مفاهیم جنس به جای این که از ساختارهای دستوری ویژه‌ای استفاده شود، از کلماتی که در فهرست واژگانی زبان وجود دارد و جنس را می‌نمایاند؛ مانند «مرد- زن»، «پسر- دختر» استفاده کرده، این واژه‌ها را به صورت صفت با اسم مورد نظر همنشین می‌سازند. [...] گاهی نیز با به کار بردن کلمه‌های جداگانه‌ای که مفهوم جنس جزو مؤلفه‌های معنای آنهاست، افاده منظور می‌کنند؛ مانند مرغ، خروس، کلفت، نوکر و...» (باقری، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴). همان‌طور که در بالا بیان شد، در فارسی میانه و فارسی دری هنگامی که تشخیص جنس لازم است، دو جنس با دو کلمه که معنای جنس در آنها نهفته است، بیان می‌شود؛ مانند «پسر- دختر» و «مرغ- خروس»؛ چنانچه کلمه‌های مختلفی برای دو جنس وجود نداشته باشد، برای انسان کلمه‌های «زن- مرد» و «دختر- پسر» و برای جانوران کلمه‌های «تر- ماده» را به اسم و صفت مورد نظر می‌افزایند و «در غیر جانداران هیچ‌گونه وجه تشخیص و تفاوتی میان دو جنس وجود ندارد» (خانلری، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷-۱۱۸).

#### شیوه‌های نمود جنسیت در زبان فارسی با تکیه بر داستان‌های معاصر

جنسیت در زبان فارسی تأثیر دارد و این تأثیر بیشتر به صورت ترجیحی است؛ یعنی اینکه، این پدیده، در بسامد نسبی استفاده زنان و مردان از عناصر واژگانی و دیگر مشخصه‌های زبانی انعکاس یافته است. که در زیر به شیوه‌های انعکاس جنسیت در زبان فارسی پرداخته می‌شود:

#### ۱- استفاده بیشتر یک جنس از برخی واژگان و جمله‌ها

یکی از شیوه‌های نمود جنسیت در زبان فارسی، استفاده بیشتر یک جنس از برخی واژه‌ها یا جمله‌هاست؛ برای نمونه تأثیر جنسیت در استفاده از جمله‌های امری، پرسشی و عاطفی بدین‌گونه بود که با توجه به بالاتر بودن جایگاه اجتماعی مردان، آنها در گفتگو با

زنان، بیشتر از زنان در گفتگو با مردان از جمله‌های امری استفاده کرده بودند. کاربرد جمله‌های پرسشی در گفتارهای زنان بیش از مردان بوده است؛ زیرا پرسش یکی از راه‌های بیان صمیمیت و پیوند جویی است و زنان بیش از مردان به بیان صمیمیت علاقه‌مند هستند؛ بنابراین بیشتر از مردان از جمله‌های پرسشی استفاده کرده بودند. زنان با توجه به عاطفی‌تر بودن بیشتر از مردان جمله‌های عاطفی مانند تعجب، دعا، قسم، نفرین و فحش را در گفتار خود، به کار برده بودند. در استفاده از نفرین و فحش بیشتر توسط زنان، باید به این نکته اشاره کرد که زنان مانند مردان، ابزار لازم برای رسیدن به خواسته‌های خود را در جامعه در اختیار ندارند؛ در نتیجه از ابزار زبانی و از جمله‌های نفرین، دعا و فحش بیشتر استفاده می‌کنند.

مردان در خطاب به زنان، بیش از زنان در خطاب به مردان، ضمیر تو را به کار برده بودند؛ زیرا یکی از جنبه‌های کاربرد ضمیر تو نشانگر قدرت و برتری است و با توجه به این که زنان جایگاه پایین‌تری نسبت به مردان داشتند، در خطاب به مردان کمتر از ضمیر تو استفاده کرده بودند. «در برخی بافت‌های اجتماعی که بین موقعیت اجتماعی گوینده و شنونده تمایز وجود دارد، فرد دارای موقعیت اجتماعی برتر، مسن‌تر و قوی‌تر تمایل دارد که مخاطب دارای موقعیت اجتماعی پایین‌تر، جوان‌تر و ضعیف‌تر را «تو» خطاب کند» (یول، ۱۳۸۷، ص ۲۰). همچنین در استفاده از خطاب با اسم کوچک این موضوع را می‌توان دید که مردان در خطاب به زنان خود بیشتر از اسم کوچک استفاده می‌کنند؛ اما زنان به خصوص زنان میان‌سال به بالا از عناوین دیگر برای خطاب به شوهران خود استفاده کرده‌اند؛ زیرا «روابط زن و شوهر باید طوری می‌بود که هریک، نقش خانوادگی خود را به خوبی ایفا کنند، بهترین شکل این روابط، احترام همراه با ترس زن از شوهر بود.» (اعزاز، ۱۳۸۵، ص ۳۴۱) همچنین زنان بیشتر از مردان از فعل جمع در گفتگوهای خود با مردان استفاده می‌کردند و مردان بیشتر از فعل مفرد در گفتگوی با آنها.

## ۲- استفاده از برخی واژگان و جمله‌ها توسط یک جنس

برخی از واژگان و جمله‌ها تنها در گفتار یک جنس خاص نمود دارد و جنس دیگر از آن واژگان استفاده نمی‌کند؛ برای نمونه برخی از جمله‌های تعجبی خاص زنان است و مردان در سخنان خود از آنها استفاده نمی‌کنند؛ زیرا به کار بردن این جمله‌ها توسط مردان آنها را زنانه جلوه می‌دهد. پاره‌ای از اصطلاحات خاص زنان است. از طرف دیگر پاره‌ای از اصطلاحات مخصوص مردان است. به کار بردن اصطلاحات زنان به وسیله یک مرد، او را زنانه جلوه و همچنین به کار بردن اصطلاحات خاص مردان، زن را مردانه و زمخت نشان می‌دهد (باطنی، ۱۳۶۹، ص ۸۵)؛ برای مثال می‌توان به جمله‌های زیر اشاره کرد: «وا» در گفتگوی بین آهو و اکرم در داستان شوهر آهو خانم «وا! نه اکرم جان، آن شیشه حتماً شربت چاقی بوده است که همیشه برای این سلیطه می‌خرد» (افغانی، ۱۳۷۴، ص ۴۶۰). در مثال زیر که از داستان سمنو پزان از کتاب زن زیادی انتخاب شده است، جمله «وا چه حرف‌ها» جمله‌ای است که در گفتار زنان کاربرد دارد: «وا! چه حرف‌ها فاطمه خانم جون خودت که ماشاًلاً سواد که داری و صورت و می‌داری» (آل احمد، ۱۳۸۲، ص ۲۹) و «وا چه اداها!» نوع دیگر از جمله‌های تعجبی است که فقط در سخنان زنان دیده شد. نمونه‌ای از این جمله تعجبی در گفتگوی زیر، بین مادر شوهر محبوبه با او به کار رفته است. هنگامی که محبوبه مانع از رفتن پسرش، الماس، به پیش بچه همسایه می‌شود، مادر شوهرش از این رفتار او تعجب می‌کند و می‌گوید: «وا! چه اداها! افاده‌ها طبق طبق سگا به دورش وق، خود رحیم اجازه داد» (حاج سید جوادی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۷).

## ۳- نسبت دادن برخی از واژگان و جمله‌ها به یک جنس خاص

برخی از این جمله‌ها، به خصوص جمله‌هایی که واژگان فحش‌آمیز در آنها بود، به یک جنس خاص نسبت داده شده بودند؛ مانند «پتیاره» و «سلیطه» برای زنان و «مرتیکه» و «لات» برای مردان. نمونه‌هایی از جمله‌هایی که این نوع فحش‌ها در آنها، به کار رفته بود: «مریم خانم نگاهی به اطراف افکند... و آهسته در گوش عمقزی گفت: - تو این زمونه به کی میشه اطمینون کرد؟ این دختره سلیطه هم که زیر بار نرفت. پتیاره! آخرش خودم بردم.» (آل احمد، ۱۳۸۲، ص ۳۶)، فحش رحیم به محبوبه، در داستان بامداد خمار «ای عفریته هفت خط، ای جادوگر حرامزاده» (حاج سید جوادی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۲) و فحش میران به آهو، در داستان شوهر آهو خانم «قحبه! می‌آیم چنان توی دهن می‌کوبم که دندان‌هایت به حلقه بریزد هان! ... خفه شو، از جلوی چشمم دور شو، دممه عفريت!» (افغانی، ۱۳۷۴، ص ۵۴۳).

تفاوت در انتظارات از رفتار زنان و مردان در جامعه سبب شده است که برخی از صفت‌ها نیز به جنس مذکر یا مؤنث بیشتر نسبت داده شود؛ مانند صفت‌های «آرایش شده»، «حسود»، «ترشیده»، «پابه بخت»، «کمر باریک»، «خبرچین»، «پتیاره»، سلیطه

وسیلانی» برای زنان و صفت‌های «پیشانی بلند و کشیده»، «سینه پشمالو»، «اضافه‌های وصفی مانند بنا و نجار»، «لات و قرتی»، «کچل» و «کتک زن» برای مردان.

#### ۴- استفاده بیشتر از واژگان مربوط به یک جنس

زنان بیش از مردان از جمله‌های قسم استفاده کرده بودند؛ اما با توجه به اینکه، مردان به خصوص فرزندان پسر در جامعه، از زنان ارزشمندتر و جایگاه بالاتری دارند، بیشتر به نام و جان آنان قسم خورده شده است. همچنین مردان نسبت به زنان در جامعه شناخته شده تر هستند و صاحبان اصلی دارایی‌ها و املاک شمرده می‌شوند؛ بنابراین از اسم آنها بیش از اسم زنان، به عنوان بدل و مضاف‌الیه استفاده شده است.

#### ۵- استفاده از برخی واژگان برای یک جنس

از برخی واژگان نیز تنها برای یک جنس استفاده می‌شود؛ مانند «عنوان‌های خاص». منظور از عنوان‌های خاص، عنوان‌هایی هستند که فقط برای خطاب به یک جنس، مرد یا زن به کار می‌روند. عنوان‌های خاص زنان عبارتند از: خانم، خانم بزرگ، خانم کوچک، بی بی، باجی، ضعیفه و زن. «بله خانم اون خدا بیا مرز هم پیش من خیلی عزیز بود.» (حاج سیدجوادی، ۱۳۸۴، ص ۳۶) و «الهی نذرتون قبول باشد خانم کوچیک» (همان، ص ۹۱). عنوان‌های خاص مردان عبارتند از: آقا، پسر، کربلایی، حضرت و جناب‌عالی. عنوان پر کاربرد برای مردان در داستان‌های مورد بررسی، واژه آقا است که بیشتر از جانب خطاب کننده طبقه پایین در خطاب به خطاب شونده طبقه بالا استفاده شده بود و یکی از پرکاربردترین صورت‌های خطابی است که زنان برای خطاب به مردان به خصوص به شوهران خود استفاده کرده بودند. واژگان نشان دهنده پیوند خویشاوندی نیز تنها برای یک جنس خاص به کار می‌روند؛ برای نمونه بابا، برادر، عمو، دایی، پدر بزرگ و پسر برای مردان و واژه‌های مادر، مادر بزرگ، عمه، خاله، دخترم و خواهر برای زنان. برخی از عنوان‌های شغلی نیز خاص یک جنس هستند؛ یعنی شغل‌هایی اند که فقط در جامعه آن جنس آن را انجام می‌دهد. «در تمام جوامع نوعی تقسیم کار برحسب جنس وجود دارد؛ یعنی کارهایی خاص زنان است و کارهایی خاص مردان» (آبوت، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲) و به نظر آن آکلی (۱۹۸۲) «تقسیم کار جنسی ساخته و پرداخته اجتماع است و ربطی به تفاوت‌های طبیعی دو جنس ندارد؛ شغل‌ها مهر مردانه یا زنانه می‌خورند» (همان: ۱۷۲). در داستان‌های مورد بررسی، عنوان‌های شغلی خاص، بیشتر خاص مردان هستند؛ مانند «امام جمعه»، «تیمسار»، «سرباز»، «آژدان» و «سرتیپ». «تیمسار شوخی می‌کنید» (علوی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۴). عنوان‌های شغلی مختص به زنان دو عنوان «دده» و «دایه» است؛ مانند «دده خانم، من نذری کرده‌ام. می‌خواهم ده تا شمع در شاه عبدالعظیم روشن کنم» (حاج سید جوادی، ۱۳۸۴، ص ۹۱).

#### نتیجه‌گیری

جنسیت در زبان فارسی تأثیر دارد و این تأثیر بیشتر به صورت ترجیحی می‌باشد؛ یعنی اینکه این پدیده، در بسامد نسبی استفاده زنان و مردان از عناصر واژگانی و دیگر مشخصه‌های زبانی انعکاس یافته است. در زبان فارسی بعضی از واژگان و جمله‌ها از نظر جنسیت نشانه‌دار شده‌اند؛ اما جنس دستوری مانند زبان عربی وجود ندارد. استفاده بیشتر یک جنس از برخی واژگان و جمله‌ها، نسبت دادن برخی از واژگان و جمله‌ها به یک جنس خاص، استفاده بیشتر از واژگان مربوط به یک جنس در کلام، استفاده از برخی واژگان برای یک جنس از جمله ویژگی‌های جنسیتی زبان فارسی هستند. با توجه به بالاتر بودن جایگاه اجتماعی مردان نسبت به زنان، مردان در گفتگو با زنان، بیشتر از زنان در گفتگو با مردان، از جمله‌های امری استفاده کرده بودند. کاربرد جمله‌های پرسشی در گفتارهای زنان بیش از مردان بوده است؛ زیرا پرسش یکی از راه‌های بیان صمیمیت و پیوندجویی است و زنان بیش از مردان به بیان صمیمیت علاقه‌مند هستند؛ بنابراین، بیشتر از مردان از جمله‌های پرسشی استفاده کرده بودند. زنان نسبت به مردان عاطفی‌تر هستند؛ در نتیجه کاربرد جمله‌های عاطفی مانند تعجب، دعا، قسم، نفرین و فحش در گفتار آنها بیشتر از مردان است. برخی از جمله‌ها، بیشتر توسط یک جنس، استفاده شده بود؛ مانند «چه حرف‌ها» و «رویت سیاه» در گفتار زنان و برخی از این جمله‌ها، به خصوص جمله‌هایی که واژگان فحش آمیز در آنها بود، در نسبت دادن به یک جنس خاص به کار رفته بودند؛ مانند «پتیاره» و «سلیطه» برای زنان و «مرتیکه» و «لات» برای مردان.

برخی از واژگان خطابی نیز تنها برای خطاب به یک جنس خاص به کار رفته بودند؛ مانند «عنوان‌های خاص» و «واژگان خویشاوندی». در بسامد استفاده از این نوع واژگان نیز تأثیر جنسیت را می‌توان دید. مردان در خطاب به زنان بیشتر از خطاب‌هایی

استفاده کرده بودند که برتری گوینده را نسبت به مخاطب نشان می‌دهد؛ مانند «اسم کوچک» و «ضمیر تو»؛ اما در مقابل، زنان بیشتر «عنوان‌های خاص» و «ضمیر شما» را برای خطاب به مردان به کار برده بودند که با توجه به یک طرفه بودن خطاب، پائین تر بودن جایگاه این زنان در جامعه، نسبت به مردان نشان داده می‌شود. با توجه به اینکه در جامعه، از زنان رفتار شایسته‌تری انتظار می‌رود، آنها کمتر از مردان از خطاب با واژگان آهای، هی، هوی و مانند این استفاده کرده بودند. مردان بیشتر از زنان با واژگان شغلی مورد خطاب واقع شده بودند؛ چرا که زنان در جامعه داستانی مورد بررسی، کمتر به شغل بیرون از خانه پرداخته بودند و اگر شغلی نیز داشته بودند، به جز یک دو مورد، بیشتر مشاغل بسیار رده پایین بوده است که کسی برای خطاب کردن از آنها استفاده نمی‌کند.

تفاوت در انتظارات از رفتار زنان و مردان در جامعه و در نوع نگرش‌ها و پسندها نسبت به آنها، همچنین تفاوت در ساختمان بدن آنها، سبب شده است که برخی از صفات، اختصاص به یک جنس خاص داشته باشد، یا این که به یک جنس بیشتر نسبت داده شده باشد، یا این که جنس بیشتر از آن استفاده کند؛ مانند صفات‌های «آرایش شده»، «حسود»، «ترشیده»، «پابه بخت»، «کمر باریک»، «خبرچین»، «پتیاره، سلیطه و سیلانی» برای زنان و صفات‌های «پیشانی بلند و کشیده»، «سینه پشمالو»، «اضافه‌های وصفی مانند بنا و نجار»، «لات و قرتی»، «کچل»، «کتک زن»، «خشمگین و عصبانی» برای مردان. زنان به دلیل پایین تر بودن جایگاهشان نسبت به مردان، در گفتگو با مردان و شوهران خود، بیشتر از فعل‌های جمع استفاده کرده بودند و شوهرانشان، در گفتگو با آنها بیشتر فعل مفرد را به کار برده بودند. با توجه به این که مردان نسبت به زنان در جامعه شناخته شده‌تر هستند و صاحبان اصلی دارایی‌ها و املاک شمرده می‌شوند، از اسم آنها بیش از اسم زنان، به عنوان بدل و مضاف الیه استفاده شده است.

#### منابع

- ۱- آبوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی زنان، برگردان منیژه نجم عراقی، چاپ پنجم، تهران، نشر نی
- ۲- آل احمد، جلال (۱۳۸۲)، زن زیادی، چاپ هشتم، تهران، فردوس
- ۳- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳)، تاریخ زبان فارسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- ۴- اعزازی، شهلا (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، چاپ چهارم، تهران، روشنگران و مطالعات زنان
- ۵- افغانی، علی محمد (۱۳۷۴)، شوهرآهو خانم، چاپ یازدهم، تهران، موسسه انتشارات نگاه
- ۶- اگریدی، ویلیام و همکاران (۱۳۸۶)، در آمدی بر زبان‌شناسی معاصر، برگردان علی درزی، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- ۷- باقری، مهری (۱۳۷۸)، دستور تاریخی زبان فارسی، چاپ پنجم، تهران، نشر قطره
- ۸- باطنی، محمد رضا (۱۳۶۹)، چهار گفتار زبان فارسی، تهران، نشر آگاه
- ۹- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی زبان، زبان و جامعه‌شناسی (مجموعه مقالات)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات
- ۱۰- ترسک، رابرت لارنس (۱۳۸۰)، مقدمات زبان‌شناسی، برگردان فریار اخلاقی، چاپ اول، تهران، نشر نی
- ۱۱- جزنی، نسربین (۱۳۸۰)، نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی
- ۱۲- جیمز، سوزان (۱۳۸۲)، فمینیسم، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ترجمه و تحلیل و نقد مجموعه مقالات دایره‌المعارف روتلیج، برگردان عباس یزدانی، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
- ۱۳- حاج سید جوادی (۱۳۷۸)، فتانه، بامداد خمار، چاپ بیست و دوم، تهران، نشر پیکان
- ۱۴- خانلری، پرویز نائل (۱۳۷۴)، تاریخ زبان فارسی، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران، نشر سیمرغ
- ۱۵- سبحانی، محمد تقی (۱۳۸۲)، فمینیسم و زبان، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ترجمه و تحلیل و نقد مجموعه مقالات دایره‌المعارف روتلیج، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
- ۱۶- علی نژاد، بتول (۱۳۸۴)، مبانی شناختی مقوله جنس در زبان فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۷ (پیاپی ۱۴)
- ۱۷- علوی، بزرگ (۱۳۸۴)، چشم‌هایش، چاپ ششم، تهران، انتشارات نگاه



- ۱۸- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱۹- نعمتی، آزاده (۱۳۸۲)، تحلیلی بر تفاوت‌های زبانی زنان و مردان تحقیقی در جامعه‌شناسی زبان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی سمنان، شماره پنج.
- ۲۰- یول، جورج (۱۳۸۷)، کاربردشناسی زبان، برگردان محمد عموزاده و منوچهر توانگر، چاپ سوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)

